

انسجام دموکراتها و ترقیخواهان چپ

انسجام دموکراتها و ترقیخواهان چپ افغانستان در شرایط ناهنجار کنونی، اهمیت بیشتری نسبت به هر زمان دیگر کسب می نماید.

بعد از گذشت ده سال حاکمیت رژیم دلخواه غرب و حضور نیروهای مسلح ناتو، بحران سراسری در کشور بی آنکه دورنمای برای بیرون رفت از آن در چشم انداز باشد ابعاد گسترده تری حاصل نموده به یک اضطراب مزمن و صعب العلاج مبدل گردیده است. رژیم حاکم به دلیل نبود فرهنگ اداره، فرورفته گی عمیق در باتلاق فساد، سیطره انارشی در نهادهای دولتی و فقدان برنامه های سازنده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نه تنها در رفع بحران ناتوان است بل، خود یکی از عوامل اصلی افزایش و تشدید آن می باشد.

طالبان که با لشکر کشی امریکا از پی حادته یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به کوه ها و آنسوی مرز گریختند امروز بیشتر از هر زمان دیگر بعد از ترک کابل در سال ۲۰۰۱، زنده گی مردم را در اکثر ولایات کشور مستقیم یا غیر مستقیم در گروگان داشته به تشنج و ترور ادامه می دهند. رژیم حاکم و حامیان خارجی آن در تلاش آند تا آنها را شریک حاکمیت سازند. جالب توجه اینست که حاکمان و مخالفین سیاسی درون نظام، هردو از بی نظمی در ساختارهای دولت، فساد در تمام قدمه ها و دخالت خارجیها حرف می زنند و رهبری رژیم اعتراف تقصیر نیز می نماید، اما در باره حسابدهی و تدابیر بازدارنده نا به سامانیها حرفی به میان نمی آید. چنین بر می آید که نوعی از فرهنگ معافیت و مصوونیت در برابر مسوولیت و پاسخ دهی بر شیوه حکومت داری در افغانستان امروز مستولی شده است.

از سوی دیگر کشورهای غربی که به شکست کامل ماموریت خویش پی برده اند ولی آشکارا بر زبان نمی آورند، مصمم اند برنامه خروج نیروهای نظامی خود را تا پایان سال ۲۰۱۴، بدون توجه به اهداف آغازین ماموریت مبنی بر استقرار ثبات و امنیت، بررسی چه گونه گی تحقق تعهدات سپرده شده و ارایه توضیحات به مردم افغانستان و مردمان کشور های ذیربط عملی سازند. ایالات متحده امریکا درین ساز و برگ برنامه های دیگر دارند. برخی کشور های غربی حتی درین باره می اندیشند که همکاران افغان خود را، جمعی از افرادی را که در سالهای حضور آنها در کشور زبانهای خارجی آموختند و شغل ترجمه فرا گرفتند و نیز آنانی را که در جریان کار در پروژه های مشترک عمرانی دانش و تجربه ای کسب کردند به بهانه ملحوظات امنیتی ناشی از تخلیه نیروهای نظامی شان با خود انتقال دهند. این امر بدون شک ثروت

معنوی موجود و ظرفیت نیروهای کار را خساره مند خواهد ساخت. پرسیده می شود که آنها اصلاً به چه منظوری افغانستان رفتند و این همه هزینه های گزاف و ضایعات مادی و انسانی در ده سال گذشته چه مقصدی داشت؟

نهضت آینده افغانستان بر اجرای موثر تعهدات غرب در قبال کمکهای شفاف اقتصادی به مقصد بهبود واقعی زنده گی مردم و همکاری در زمینه ایجاد ارتش و قوتهای امنیتی نیرومند و مستعد به اسقرار امنیت و دفاع از کشور قبل از خروج نیروهای نظامی آن پیوسته تاکید ورزیده است. در چنین حالت یک الترناتف دموکراتیک را تنها ترقیخواهان و تحول طلبان افغانستان می توانند پیشکش نمایند در صورتیکه نخست خود منسجم شوند.

نیروهای دموکراتیک، ترقیخواه و چپ افغانی در وضعیت آشفته کنونی، برای این که مغروق و محلول وضعیت نگردند و بتوانند سهم شایسته یی در بهبود جو بیمار موجود و احیای ثبات سیاسی در کشور ایفا نمایند چاره دیگری جز هم آیی و انسجام کیفی و هدفمندانه ندارند. گرچه این نیروها از ظرفیت قابل توجهی در داخل کشور و نیز خارج از آن برخوردار اند اما تا اکنون بخش وسیع آنها به دلایل گوناگونی منجمله عدم فهم درست از شرایط متشنج کنونی و پیامدهای ناگوار آن، به آرایش و انسجام ضرور در جهت پدید آوری تکانه و تحرک سیاسی لازم در جامعه توفیق نیافته اند که همین مساله پیدایش جنبش سراسری و منسجم دادخواهی در افغانستان را به گندی کشانیده است.

علی الرغم دشواریهای موجود، شماری از تشکلهای دموکراتیک و ترقیخواه به شمول نهضت آینده افغانستان بنابر درک ضرورت انسجام و بعد از دستیابی به تفاهم، ایتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان را در ماه مارچ سال روان اساس گذاشتند. پیدایش این ایتلاف بعد از یک دوره طولانی خفته گی، تشنت و پراگنده گی در صفوف نیروها، آغاز امیدوار کننده یی در راستای همگرایی و بسیج ترقیخواهان به ویژه چپ اندیشان به شمار رفته رویداد با اهمیتی در حیات سیاسی کشور محسوب می گردد. طیف وسیعی از سازمانها، روشنفکران و شخصیتهای مترقی افغان داخل و خارج کشور از پیدایش ایتلاف سیاسی جدید حمایت نموده، آن را گام مهمی در مسیر اتحاد و همسویی نیروهای مترقی افغانستان ارزیابی نمودند.

ایتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان، در ابتدا وظیفه "انسجام سازمانها و نیروهای دموکرات، ترقیخواه و تحول طلب و تامین اتحاد آنان در یک نهاد سراسری بر اساس اندیشه نقاد و انعطاف پذیر" و در انتها رسالت "ایجاد حزب واحد ترقیخواه، سراسری و تاثیرگذار بر وضعیت سیاسی افغانستان را در برابر خود قرار داده است. ایتلاف تصمیم دارد فعالیت اش

در نهایت به ظهور سازمان سراسری زحمتکشان افغانستان یعنی در واقع یک حزب سراسری چپ دموکراتیک بی انجامد.

ایجاد ایتلاف طوریکه تذکر یافت، گام امید بخشی در شرایط پیچیده و دشوار کنونی پنداشته شده وظایفی را که سازمانهای مختلف و اعضای آنها پذیرا شده اند بس خطیر و دشوار اند. برای رسیدن به ایجاد حزب سراسری، به کار مستمر توأم با صداقت و راستکاری سیاسی و پیگیری متداوم اهداف اولی و نهایی ایتلاف نیاز است. دشواریهای درون سازمانی را اگر وجود دارند یا بروز می نمایند باید هرچه سریعتر با کار بُرد شیوه های اصولی و دموکراتیک رفع نمود تا وقت به هدر نرود و دیگر سازمانهای مختلف جبر انتظار را متقبل نشوند. از سوی دیگر برای تحقق اهداف ایتلاف صرفاً حضور نمایی سازمانها در آن بسنده نیست. ایتلاف زمانی گسترش یافته و به رستگاری نایل می آید که همه سازمانهای عضو، مسوولیت پروری و دلسوزی لازم از خود تبارز دهند.

نباید گذاشت تا امیدهای شگفته در میان تحول طلبان افغانستان به یأس گرائیده و ایتلاف به یک "بن" دیگر مبدل شود.

نهضت آینده افغانستان همانگونه که از بدو تاسیس و در تداوم سالهای فعالیت اش، پیوسته در جهت حصول تفاهم و اتحاد میان نیروهای مترقی کشور سعی و تلاش ورزید، سهم سازنده یی را در ایجاد ایتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان نیز اتخاذ نمود. نهضت آینده افغانستان مصمم است برای تحقق کامل اهداف ایتلاف تا آنجا که سیر بعدی انکشاف آن از پلاتفورم قبول شده منحرف نگردد و در تقابل با اصول اندیشوی نهضت قرار نگیرد هم رکاب با دیگر سازمانهای عضو صادقانه پیکار نماید.

برگرفته از شماره ۴۹ نشریه آینده ارگان مرکزی نهضت آینده افغانستان